

گرفتند (جمعی گفتند این همویت دارد منحصر بانجا نیست).

رئیس - بعضی از آقایان تردید کردند که یس فردا مجلس منعقد است یا نه حال میگویم در مجلس مذاکره شده با اکثریت آراء فرارآن داده شود (جمعی گفتند مجلس باشد بهتر است)

حاجی محمد اسمعیل آقا - یکروزه غنیه باشد عیب ندارد و بعد از آن تا چهاردهم محض احترام عاشورا تعطیل شود ولی مجلس که منعقد میشود نتیجه داشته باشد.

آقای سید محمد تقی - امروزه نتیجه داد و فرارشد بوزیر داخله از بابات فروش اطفال قوچان رفته نوشته شود.

حاجی محمد تقی درخصوص پسر سیددار نوشید چه نتیجه بشکند حالا در اینخصوص نوشته شود.

نامه آخوند ملا محمد کاظم خراسانی
بعنوان مجلس شورای ملی

بمجلس محترم شورای ملی شید الله تعالی ارکانه بعد از اهداء نثار و نعت و اداء مراسم تبریک و تهنیت معروض میدارد در اینموقع گرامی که بعد از تعالی و حسن عفايته و بتوجهات مقدسه حضرت حجة عصر اروا حنا فداء پریشانیه و ویرانیهای ناشئه از استبدادات و قصر انظار باقرض شخصیه و اغماض از مصالح نوبه را نوبت بیایان و باقتضای کمال دین پروری و خلوص نیت ذات اقدس شاهنشاهی ادام الله تعالی سلطانه و سمادت این عهد فرخنده که یابنده بادقلب مبارک همایونی که (بین اصبعی الرحمن است) بعقد این مجلس خجسته کشفستین مرحله ترقی است منطف فرمودند لازم دانسته پس از قیام بوظایف دعا گوئی آن ذات اقدس اهلی و اداء شکر آن مواهب عظمی بمراسم تبریک مبادرت نموده بمقتضای کریمه مبارک (فان الذکریت تنفع المؤمنین) محض مزید تذکر معروض دارد که این اساس بزرگ که (بعد اللیالی و اللی) بعهد کفایت آن دینداران بادیانت و دولت خواهان باغیرت سیرده شده مفتاح سربلندی دین و دولت و یایه قوت و شوکت و استغناء از اجانب و آبادانی مملکت است والله ملو دول عالم در این موقع بگران حال مایند تا از این اتفاق ملی و مجلس شوری که آخرین علاج امراض مزمنه مملکه است چه نتیجه گیریم و چنانچه بعون الله تعالی و حسن تائیده در این مرحله بطوریکه باید قدم برداریم امید است که انشاء الله تعالی از مهالک نجات و عمارت برب با همگان همعنان کردیم و بالعکس اگر خدای نخواست باز هم افراض شخصیه منظور و جلوگیری باشد امکان استعدادی خود را باطل و عرض و ناموسمان را برباد داده و انگشت نمای ملل و دولو مصداق (تخافون ان یخطفکم الناس) خواهیم بود اعاذنا الله تعالی من ذلک حالا کبرای اصلاح مفاسد و تکبیل نوافس آزادی مرحمت فرمودند انشاء الله تعالی هیچ دقیقه را فرار گذار نفرمودند قوانین محکمه بین مبین را که ناموس اکبر و از اعظم اسباب ترقی و نفوذ و فقط رسمی از آن باقیست صحیح با سبقه اجرا و مصالح دولت و انتظامات مملکت را بروجه احسن و نظم اتمین مرتب و ابواب استبدادات و تعدیات و جف و میل و خائنیه که خانه ملت را چنین ویران و روز کار دولت

ایده آیت را که حارس دین و عایه شرف مان است باین درجه منتهی وزیر بار این مبلغ خطیر قرض از اجانب نموده بکلی مسدود و اسباب تقلص از دست این قرض و صرف دخل دولت در مصالح لازم و استمداد توجیه قوت و شوکت که اول قدم ترقی است ترتیبات صحیحه فراهم و مقدمات استغناء از اجانب که مایه ثروت و شکست و تغلب از فقر و ذلت و بیزبده مونه و همدستی متمسکین از ابناء وطن و اطمینان آنها بدم تلف و عنوان اموال موقوف است با فکر ثاقبه و تدابیر حکیمانه تسریعاً مهیا و صرف جهلو بلبل مهجه خواهند فرمود انشاء الله تعالی و الله باله تعالی و بولی امر صلوات الله علیه علی ابائنا الطاهرین و السلام علیکم و رحمة اللعورکات (الاحقر الجانی محمد کاظم الخراسانی)

مذاکرات دارالفرورای ملی
روز سه شنبه ۶ شهر محرم الحرام ۱۳۲۷
مستشار الدوله - چند روز قبل مستدعیات اعلی آذربایجان در وقت ماده بدولت پیشنهاد شد یکی عزل مسیونوز و مسیو پریم است که قبول شد برای اینکه بدانیم بجهت چه معزول شدند لازم است بدانیم که مسیونوز و مسیو پریم را و دودنفر دیگر را برای چه کار بانجا آوردند. بجهت این بود که بواسطه علم و تجربه آنها اداره کمرک مرتب شود لاغیر یعنی اولاً اداره کمرک را ترتیب صحیحی داده دایر نمایند و ثانیاً معلم باشند برای کسانی که در آن اداره هستند لکن نه برای اشخاصیکه از کار عاری هستند عوض اینکه اداره کمرک را منظم نموده و سایرین هم معلم و تجربه خودشان را بیاموزند شش اداره دیگر را در تحت اداره خود آورده و عنوان وزارت را هم بدست آوردند نزدیک بود مسیونوز را شیخ الوزرا و یاصدر الوزراء بگویند این بود که کم کم رعب مسیونوز در قلوب اثر کرده چنان تصور کردند که عزل مسیونوز از معالات است اگر عزل مسیونوز را بخواهیم آسمان بزمین می آید این شد عزل آنها را خواستند دولت هم عزل آنها را قبول کرد فراد شد بجای مسیونوز مسیو کینه یا مسیو نالار بعنوان ناظمی یا مستشاری در کمرک باشند منتهی اختلاف مانده بود که اسم مدیری هم داده شود یا رئیس و مدیر ایرانی باشد فقط آن فرنگی را باسم مستشاری قبول نمایند حالا معلوم میشود در حقیقت معزول نکرده اند بلکه یک فرنگی دیگر را آنجا آورده بر آنها افزوده اند این دو نفر مسیو نوز و پریم دستور العمل بآن یک نفر میدهند و خانه مسکونی آنها هم همانجا است این شد سه نفر رئیس (وزاد فی الطنبور نغمه آخری) پس معلوم میشود از مسئولیتی که داشتند بیرون رفتند آن یک نفر را برای خودشان راپورتچی و خبر آور قرار داده اند و چند روز قبل معلوم شده در انهدام و سوختن استادی که مطالب فهمیده میشود سعی دارند که آن اسناد را خراب بکنند برای اینکه آنها را خارج کردند لازم بود آن روزی که اینها را عزل نمودند تحویل بگیرند بوزیر مالیه یا یک نفر رئیس ایرانی بدهند و علت دیگر که شده می ترسیم با این اعمال و هرج و مرج که شده فردا خواهند گفت که موعده قسط وجه استعراض روس رسید و آنها خواهند گفت شما این دو نفر را برداشتید کار آنها عقب افتاد اعتقاد من این است که مجلس یکی از این دو نفر را اختیار نماید یا وزیر مالیه را

رسماً بخواهید و سؤال نمائید چرا وقتی که آنها را برداشتید تحویل نگرفتید و ادارات را تحویل بکس دیگر ندادید این ابضا حرات را از او بخواهیم و حفظ کنیم با اینکه شرعی بصدارت بنویسیم و این ابضا حرات را بخواهیم.

حاجی شیخ علی - شق اخیر بهتر است وزیر مالیه خواهد گفت بمن ندادند.

مستشار الدوله - وزیر مالیه نمیتواند عذر بیاورد عزل آنها برای این شد که وزیر مالیه نگوید وزارت کمرک بمان نیست لهذا آنها را معزول کردند و در تحت نظارت او بیاید معلوم میشود این ها حرف ظاهری برای اسکات مردم وده.

حاج شیخ علی - تسلیم بوزیر مالیه ملزم بود باینکه فقط عزل آنها بود.

آقای سید محمد تقی - بعد از شناساندن دولت و زرا را این حرفها پذیرفته نیست.

حاجی شیخ علی - کلام در این است باو بگویند بتو تفویض کردیم باو نگفتند بتو دادیم و تفویض نمودیم.

آقای میرزا فضلعلی آقا - بوزیر مالیه اگر امروز تکلیفی بکنیم میتواند بگوید ریاست سابق بامن نبود و قرارداد نظامنامه و قوانین دستورالعملی مرا بدهید آنوقت ازمن مسئولیت بخواهید پس بصدور اعظم بهتر است.

احسن الدوله - معزول نمودن مسیو نوز و مسیو پریم بهوای نفس شد و بی تهیه و تدارک بود نه فکر اداره را نمودیم و نه فکر نقدی اداره و ملاحظه نکردیم آنها را معزول کردیم یک نفر آدم داریم باند داریم پادرو لایات و اطراف آدم گذارده ایم تصاحب کنند اگر سابق اجزاء کمرکات پوشهر و سایر سرحدات یک واهمه داشتند حالا آن واهمه هم رفت خواستیم یک دروازه را ببندیم دروازه ما باز نمودیم. یقین بدانید اگر اقدامی نشود ترتیب حساب و کتابی هم نداریم مسئولیت آنها از میان خواهد رفت هر ساعتی که اقدام نشود دار و ندارمان از میان خواهد رفت نه مفتشی داریم و نه اظهارهای کردید.

حاجی شیخ علی - چون عزل او فوری بود و فوری دولت باید حفظ اموال خودش را بکنند.

احسن الدوله - صریحاً عرض میکنم اگر دولت این ملاحظات را میکرد و این ادارات را باین طور واکدار بآنها نمی کرد حالا اینها نمیکفتند که تاحال وزرا را سیر می کردیم اکنون و کلارا باید سیر نماییم.

حاجی شیخ علی - تاحال مجلس متوقع چیزی نبوده.

مستشار الدوله - اینها نیکه آقای احسن الدوله گفتند در دست دروا می خواهیم باید به علاج پرداخت اولاً مسیونوز را که سرانکار آوردند مسیو کینه حاصر بود منتهای مسیونوز نباشد مسیو کینه باشد نگفتند تمام بلژیکی ها معزول باشند حتی مسیو لاورس را هم تلگرافاً خواستیم توقیف باشد تا خیانات از بابت بشود پس هیچ ادارات کمرک خالی از مدیر بلژیکی نبوده باین شکل معایب سابقه اگر یکی بود حالا زیادتیر شده اگر هم بی موقع بود عزل مسیونوز درست عزل شده دولت هم قبول کرد حالا باید چاره کرد که اسناد از میان بیشتر نرود بهتر این است که کیش آمد و گذشته یکی از این دو نفر را که گفتیم عمل نمایند.

حاج شیخ علی - حق ثانی بهتر است.
شیخ ابراهیم - بهتر است از وزیر مالیه سؤال شود.

سعدالدوله - بنده عقیده دارم غیر از اینها نوشته شود بجناب ناصر الملك بیايند اينجا ايضاحات خود را بدهند بدينم آيا مسئوليت را بگردن مني گيرند يا نيمگيرند اگر بعهده بگيرند من حق سؤال و جواب ندارم.

آقاميرزا فضلعلی - يعني مسئوليت بعد از امروز را.

سعدالدوله - بلي مسئوليت بعد از اين را.
آقاسيد حسن قتي زاده - اين جزئيات هم اش انو امي است مطلب كلي اين است كه وزير مالیه را بخواهيد ترتيب اينكار را بگويد و مسئوليت خود را قبول نمايد چنانچه آنتب در مجلس صدارت تشریف داشتيد بصدر اعظم گفتيم وزير مالیه می گویند مسئوليت ندارم صدر اعظم گفتند كه من صدر اعظم هستم رسماً مېگویم اومسئوليت دارد بايد اينجا بيايند بمكانات نميشود.

رئيس - همان خواستن وزير مالیه صحيح است.

سعدالدوله - علم خارجي دارم اگر چه نميشود سند قرارداد ولي از قرارداد معلوم لا درس كه توقيف بوديريشب تلگراف رسیده از سرحد جلفا در شده حالاندينامم بفرنگ رفته يا اينجا خواهد آمد ترتيب كرك هم در تحت اداره ميو كينه نام است و از ضبط كرده آنها را شنيدم

آقاميرزا طاهر - بصدر اعظم بنويسيم وزير مالیه بيايد.

حاج شيخ علي - اگر وزير مالیه همین جواب را داد چه مېگوئيد؟

صديق حضرت - نميتواند بگويد.

سعدالدوله - طرف ما وزير مالیه است بنابر فرمايش صدر اعظم.

ميرزا ابوالحسن خان - آن روز خاطري شماها هست معتمداً السلطنة در جواب من گفتند ما هشت نفر وزير معين مېكنيم در هر كاري رجوع بانها نموده توضيح بخواهيد بنده گفتم مسيو نوز وزير مسئول است يا خير ايشان فرمودند اين هشت نفر وزير مسئول هستند چون اين عمل راجع بوزير مالیه است ايشان را بخواهيد توضيحات خودشان را بگويند آن دستخط و اينهم شفا می.

آقاميرزا طاهر - اينها صحيح است ولي تا پنج روز طول بکشد در اين چند روز خواهند برد.

آقاسيد مهدي - مجلس تعطيل نبايد بشود چه توابي از اين بالا تر كه بكار مسلمانان رسيد كي شود.

سعدالدوله - در اين خصوص و در اين ماده در باب تشكيل كميسيون كه بمعاينات آنها رسيد كي نمايند و تشكيل اداره تفتيش كه بهر شهر كه كمر ك است بفرستند و مناسب حال ايران يسكنفر ايراني بستمدميري و يسكنفر بلژيكي بستممشاوري معين نمايند اين سه فقره را بنده بدولت اخطار كردم حالا بايد وزير مالیه بيايد جواب اين مذاكرات را بدهد.

ميرزا ابوالحسن خان - خوب بود اول به مجلس بفرمايد بعد بدولت اخطار كنيد.

سعدالدوله - من غير خواهي و پيش دستي كردم كه از مال دولت حيف وميل نشود آتوقت به گردن مجلس بگذارند چون نظامنامه مالیه بن راجع شده كه بنويسم ومشغول هستم لهذا اخطار نمودم دو كاهذ نوشته شود هم تعقيقات از صدارت بخواهيم و هم وزير مالیه بيايد تكليف معلوم شود.

حاج شيخ علي - اگر صلاح بدانيد هم به صدارت شرحي نوشته شود و هم وزير مالیه را بخواهيد؟

حاج سيد مر قضي - در اين خصوص كه فرمودند گذشت در خصوص دخترهاي فوجان نتيجه بگجا رسيد.

رئيس - هنوز اين مطلب تمام نشده آقاي قتي زاده مطلبی دارد.

آقاسيد حسن قتي زاده - يادراين خصوص يا در خصوصهاي ديگر مكاتبه بصدر اعظم را بايد تقليل كرد و آن عنوان صحيح كه پيش گرفته ايد نبايد از دست داد و ترتيب صحيح اين است هر روزي مي توانست مسئوليت را بعهده بگيرد اگر نميگيرد استعفا بدهد.

سعدالدوله - اين صحيح است.

حاجي سيد مر قضي - در خصوص دخترها بايد ترتيبی داد كه نتيجه داشته باشد.

رئيس - طرف حاكم است و آنهم در خراسان است بايد بيايد.

امين التجار - طرف ما وزير داخله است.
آقاسيد مهدي - شجاع الدوله كه متصدي اين امر بوده در تهران است.

حاجي سيد محمد - او معزول است.

سعدالدوله - در اين مورد با حاكم حق گفتگو ندارم طرف ما وزير داخله است.

آقاسيد مهدي - پس چه انتظاري از آصف الدوله داريد؟

رئيس - آن اسباب كار است بايد بيايد.

آقاسيد حسن قتي زاده - در اين مدت بواسطه تجربه بعضي چيزهاي فهميدهم بعضي از تعقيقات و توضيحات كه وزراء بماندهند نبايد گول بخوريم چنانچه وزير خارجه در مسئله كرا بل توضيحات دادند و وزير داخله در خصوص پسر سياه دار شايد آصف الدوله تا ششماه نبايد بايد مدت معين كرد و اصلاح اينكار را از وزير داخله بايد خواست.

حاجي سيد عبدالرحمن - آصف الدوله شايد نبايد.

آقاسيد حسين - آنچه زمان گذشته است گذشته و در اين ششماه اخير هم مرجه كرده است باشد بيايد طهران شايد آنهم مثل اشخاصي شد كه از سرحد جلفا رفته.

حاجي سيد محمد - پيس وزير مالیه را كه می خواهيد بدان روز وزير داخله را هم بخواهيد.

سعدالدوله - آن روز كه وزير مالیه را ميخواهيد خيلي كارداريد حالا از براي چهار روز وزير مالیه را ميخواهيد.

رئيس - روز يازدهم
آقاسيد حسين - دو مسئله است يكي فروش

اطفال ويكي مسئله غارت و بردن آن شصت و يكسفر در خصوص اينها سالار مقوم اينجا حاضر است راهنمي ميكنند كه بدون حثك وجدال و خرج بر گردانند امسا استرداد اطفال موقوف باینست كه حاكم از طرف دولت بشود چون امروزه ديگر اين امورات با وزير داخله است وزير داخله حكم نمائيد آصف الدوله همانجا است اطفال را بر گرداند و قتيكه اينجا آمد بمجازات قانونی برسد و خانه نشين بشود كه عبرت سايرين باشد اگر بيايد اينجا و بعد از اينجا يسكنفر برود ميان تر كمان هيچ فايده نخواهد داشت وزير داخله را بخواهيد يا استانداريكه در وزارت خارجه داريم خيانت او را ثابت كنيم بعد از آنكه علم اليقين حاصل شد حكم شود براي برگرداندين آن چهار صده و پنجاه نفر اطفال و مجازات مال وقتي است كه آصف الدوله در طهران باشد بر طبق بهر گرداندين اطفال ندارد در ساعتی از او بگردد دير شده است چه كاري مهم تر از اين داريد مجلس ديگر فوق العاده روز پنجشنبه تشكيل بدهيد بهتر است.

حاجي سيد محمد - تاروز يازدهم طول ميكنند پنجشنبه بيايند.

حاجي شيخ علي - هيچكس در اين ايام هزاداري حاضر نميشود.

حاجي سيد اسمعيل - اگر اقدامي بشود بهتر است كار بگذرد.

حاجي سيد محمد - روز پنجشنبه هم وزير مالیه بيايد هم وزير داخله.

رئيس - مطلبی است بايد عرض كنم نوشتن بوزراء آسان است ولي نميشود از اين روز بروز ديگر خبر گرد بيايند اين اطفال امروز فرخته نشده اند بلكه مدتي است اين آقا يان و كلا در اين ايام نيايند فرارش را اينطور بگذاريد كه روز يازدهم وزير داخله بيايد و روز سيزدهم وزير مالیه.

حاجي سيد محمد - هر دو در يك روز چه طور است؟

آقاسيد محمد تقی - نميشود.

سيدالحكما - هر ساعت بگذرد ضررش زياد تر است براي ملت بايد نوشته شود آتوقت بخواهيم اگر مجلس فوق العاده تشكيل شود چه ضرر دارد.

آقاميرزا فضلعلی آقا - چه ضرر دارد كه هيئت از مجلس تشكيل بدهيد توضيحات هر كس ميداند بگويد.

رئيس - اين نميشود تمام آقا يان بايد باشند در اين مجلس مذاكره شود.

سيدالحكما - بعقيده بنده مسئله كمر ك اهميتش زياد تر است اگر جلو گيري نكنند كار خراب تر ميشود.

آقاسيد حسين - براي يس فردا هم حاضرند مطلبی نيست كه از خارج چيزي تعقيق كنيم بايد هر دو مطلب اقدام شود هم وزير داخله بمجلس بيايند و هم وزير مالیه هر دو واجب است و نوري هر كس رأي دارد بگويد.

مشار الملك - رأي اينست كه حاضر شوند.

آقاسيد مهدي - از چه عبادتي بالاتر نيست رسيدن بامور مسلمانان؟

آقاسيد ولي الله خان - ايند امجلس وقت ندارد هر وقت كاري مرتب و منظم بماند كرديد و او هر روز باشد فراهم ميكن است ولي وزير مالیه زودتر بيايند بهتر است از روي قفلت ما كار ميكنيم ما خدا خدامي.

کردیم کلبه یکجا استفا بدهند که پوهای مانرود بدون مشورت نباید کاری بکنیم بقیه بنده فردا وزیر ماله بیاید (تمام تماشاچیان احسنت گفتند)

آقا سید ولی الله خان — در تمام مجالس تصویری انسان پیدا بکنند حق این مجلس است برسد این حق توبیخ و سرزنش با همه ماها است احسنت گفتن اسباب توبیخ است *

(بعضی ازو کلا کسی بشما توبیخ نمیکند محض شیرینی کلام شاد احسنت میگویند)

سیدالحکما — باید وزیر ماله را احضار فرمائید و این کار مقدم است *

احسن الدوله — در فقره دخترها چند روز است انما تذکره در اطراف مسئولیت وزیر ماله را می دانند یانه که این طور حرکت نموده اند *

آقا سید حسین — تمام بظلم آصف الدوله است

احسن الدوله — صبح تانهار صدو شصت نفر دختر بارگه فروخته اند برده اند در تقبیس درهما تانهاه اجیر کرده اند *

حاجی شیخ محمد تقی وکیل الرعایا دیگر میتوانیم راحت بشینیم *

احسن الدوله — گذشته ها گذشته است از برای آتیه باید کاری کرد *

آقا سید محمد تقی — میفرمایند بباشرین تذکره بگویند و بنویسند *

آقا سید حسین — فرمودید از تذکره کاری شده یاخیر از سرحد بوزیر خارجه بنویسند که آصف الدوله بطوری سخت گرفته که این دخترها را رعیت بمالایات فروخته اند بکار پرداز هم نوشته اند جواب نوشته اند نمیتوانیم جلوی او را بگیریم و در فرنگستان کینز و غلام فروخته نمی شود چه شده دخترهای ایرانی را این طور می فروشتند *

سعد الدوله — این بدعت را او گذاشت *

آقا سید حسین — بساتام احکام که در دفتر وزارت خارجه ثبت است این ترکمان ها سیورسات برده اند داده اند شصت و دو نفر زن آستین را برده اند تعقیب کنید این سیورسات را چگونه داده اند تعطیل نباید بشود مجلس بگروز وزیر ماله بیاید بگروز وزیر داخله بیاید *

آقا میرزا فضل علی آقا — شبهم مجلس بشود حاضریم *

آقا سید حسین — سالار مغرور بخواهیم *

حاجی شیخ محمد تقی — وزیر داخله مسئولیت دارد *

آقا سید حسن تقی زاده — در نظام نامه اساسی نوشته شده که ده روز میتواند روزی برای مطلبی جواب بدهد الا مطلب فوری که فوری باید بیاید یا جواب بدهد بقیه بنده فقره وزیر ماله لازم تر است شبهم باشد با ذهم دوازدهم وزیر داخله میباید ندارد وزیر ماله فردا بیاید بمر ملاحظه که میدانید (۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲) باید تعطیل باشد ولی وزیر ماله فوری است که فردا بیاید میخواست وزیر داخله را عقب بیدار بید بتر است *

سعد الدوله — نباید ترتیب مجلس را برهم زد پس فردا وزیر ماله بیایند *

آقا شیخ حسین — وزیر ماله بیاید لازم تر است بتأخیر میندازید که ماله را میبرند *

آقا سید مهدی — در سینه کله سوزان بین

باید فکری کرد *

حسام الاسلام — امروز حال ایران حال غریق را دارد *

حاجی سید محمد — رأی را بر چه فرار دادید وزیر ماله پنجشنبه بیاید *

رفییس — بسیار خوب همان شنبه بیایند مردو باشند *

نیدالحکما — خستکی در نباید کرد *

سعد الدوله — خستکی از برای نبودن کلا و یاس ما بود *

حسام الاسلام — اساس تفرقه و زوا که بسا رسیده از دست نباید بدهیم بیست و کرو نفوس سرگردان است و تکلیف خودش را نمیداند *

سعد الدوله — در باب بانک ملی یکی از خوانین قزوین کافذی برای من نوشته خوب است در روزنامه نوشته شود آقای سید محمد تقی بخوانید بدانند *

(آقا سید محمد تقی کافذرا خواند)

حضور مبارک پدر مهربان ملت ایران حضرت آقای سعد الدوله دامت شوکت بنده کمینه که جان نا قابل خود را با نهایت افتخار برای پیشرفت مقاصد انما دار الشوری ملی حاضرم فدا نمایم در روزنامه مبارک مجلس دیدم که در خصوص تأخیر مراقبت عموم در بانک ملی کم کم خواطر مبارک و کلای محترم دارد مکرر و ما بوس می شود ایجان این کمینه فدای آنساحت مقدس باد که گویا هنوز از فقر و پریشانی ملت اطلاع ندارید والله وباقه ظلم و تعدی چیزی از برای ما باقی نگذاشته است والا تا این درجه ایرانیان بی غیرت و همت نیستند ببلاده همه کس دسترس بطهران ندارد که بتواند باندازه استطاعت سند اسهام بانک را دریافت نمایند *

و این کمینه مقدار ناقابل از زیور آلات خود را که برای ایام سخت ذخیره کرده بودم فقط برای اقتضای توسط حضرت * * * بجهت بانک ملی فرستادم از حضور عالی عاجزانة استدعا دارد که بدهی مختصر کمینه را بانظر بلند خودتان دیده بفرمائید اشیاء مرسوله را اعضاء محترم بانک ملی بامانت و شرافت خودشان فروخته و هر چه قیمت آن ها شد سند اسهام بانک برای کمینه روانه فرمایند چه کم که زیاده از این قادر نبودم مگر آنکه جان خود را در موقع فدای تسرنی وطن عزیز بنمایم امضای کمینه در خدمت شما در دفتر بانک محفوظ باشد زنی هم از همسایگان کمینه همت و غیرت نموده با آنکه شوهر ندارد و یک پسر اسفیر دارد این بیچاره هم پول نقد نداشت سه فقره اسباب که در صورت علیحدت ثبت شده توسط کمینه تقدیم حضور مبارک نمود که آنها را هم فروخته سند اسهام بانک ملی باسم صغیر مشار الیه مرحمت فرمائید استدعا دارم کمینه را از قبول اینها و تسلیم بیانک ملی قرین شرف و افتخار بزرگ فرمائید زنده بماند خیلی نیک بختی و افتخار این کمینه خواهد شد که اشیاء ناقابل را مخصوصا در دار الشوری مقدس ملی بوقلای محترم ملت حراج فرمائید و قیمت هر چه شد اسناد بانک بفرماید که ذخایر ناقابل کمینه پیرایه وجودات پسته کان اشراف ملت باشد ان مطلب فضولی بود آنچه اراده حکیمانه خود حضرت تعالی اقتضا فرماید برای کمینه سعادت و شرف خواهد بود (امر مقدس عالی مطاع) *

سعد الدوله — در نظر من کمینه است

نیخواست استقراض از خارجه نباید اصل مجلس و ملت میکشند ما نمیخواهیم خارج را شرکت بدهیم راضی نشدند یعنی چه یعنی همت ما مقتضی نیست و بهر جان آمده بودند کادر اسلامیت غیرت ماقبول نمیکند یک قسمت از پنج قسمت خارجه را شریک خود قرار بدهیم جوش و خروشها نموده بعد انما ملت بعضی شروطت میخواستند بادلوت بگذارند حالا اطمینان پیدا نموده اند این محترمه هم ملهم شده دیگر چرا اقدام نمیکند شما و کلام شما مو کلین خودتان از وضع و شرف و خوانین اعلان ندانیده صده مو کلین شما سرمایه داران معروف هستند ثروت دارند مگر دعوی غیرتمندی نمیکند باید دست خارجه را کوتاه نمود *

حاج سید عبدالحمین — و کلا حق بر این مطلب هستند ابتداء کلا باید اقدام نمایند *

سعد الدوله — مقصود بنده این است آقا باینکه با ثروت هستند آن ثروت را از چراغ پیدا کرده اند خوب است و کلا همه جا که آمده اند در این بانک سرمایه تعیین نمایند و الا این محترمه با گوشواره و انگش و جقه اندوخته خودش اقدام نموده و کلا آذربایجان و گلاصفهان و همدان باید بتوسط تلگراف اقدام بکنند ماها همه از شاه چیز میخواستیم که مشروطیت بدهد و فلان چیز بدهد این طرق و هوارع که میخواستیم خودمان تعهد کردیم که از خارجه قرض نکنیم این غیرت است غیرت این است که این محترمه بخرچ دهه *

ادیب التجار — هر روزه بتوسط بنده سهام خواسته اند مشغول هستیم که سهام بگیریم و بخرستیم علی العجالة صدویست هزار تومان حاضر شده *

آقا سید محمد تقی — شرحی از طرف صدارت رسیده که سابق چهار کرور برای قرض بخارجه وجه خواستیم که لازم فوری است البته در مجلس مذاکره نمائید زودتر انجام داده برسانید *

سعد الدوله — وصول این کافذ کرامت است یعنی کرامت مجلس است نه کرامت دولت دلالت میکند بر صحت عمل این است کار فوری که عرض دیگر کردم اقدام نمائید بمو کلین خودتان تلگراف کنید هر کس میخواست پول بدهد هزار شمشه دارد پیش حاجی امین الضرت پیش کسی دیگر برسانند یک مطلبی میخواستم عرض کنم معلوم دیگران بشود یکی از بزرگان به بنده کالت داده بقدر پنج هزار تومان قرض بکنید و باسم من باین بانک بدهید و حال آنکه خودشان خیلی صاحب ثروت هستند خواهش بخصوص دارم چون عنوان این بانک را خود بنده نموده ام قرض از خارجه را موقوف نمائید اگر عاجلا این پول نرسد رشته کار مملکت از میان میرود *

حاجی سید اسمعیل — آقا نجفی نوشته اند به بنده فقره صورت میگیرد *

ادیب التجار — همه حاضرند *

سعد الدوله — این که فرمودید صدویست هزار تومان حاضر است اسم نباید بیارید آذربایجان و اصفهان هر کس بقدر مقدور باید هرامی نماید من نمیخواهم مطلب فرنگی ها را بگویم که فرنگیها گفتند شما پول ندارید *

آقا سید حسن تقی زاده — تکلیف همه است هرامی نمایند تکلیف و کالت و کیل نیست بگوید خودشان باید اقدام نمایند ولی وقتیکه این بانک سرمایه اش درست شود بموجب نظامنامه این چهار

کرور و انجمن بگیرند مؤسسين از مجلس آنوقت بدهند
بایدانست برای چه مصرفی میخواهند.

سعدالدوله - این مذاکرات شد صورت هم فرستادند در همان مجلس قبول شد و کلام حق دارند بمصارف استقراض رسیدگی کنند.

آقامیرزا ابوالحسن خان - رفع حوائج دولت بملت است باید آنها محل مغاوج خودشان را نشان بدهند.

سعدالدوله - امروز از دولت بخواهید تجدید از سابق که میخواهند و اثر خودشان را محدود نمایند ترتیب این حوائج بخواهد حالا ما جای دور نمیرویم فقط در همین مجلس چقدر خرج دارید که گفته میشود مجلس شورای ملی حالا نه مواجب دارند این اجزاء نه چیز دیگر هروقت از یلهای این عمارت بالایی آید تمام اجزاء جلوشما را میگیرند که ماچند ماهست آمده ایم یک پول بماند اندام من نمیتوانم روی قالی خشن بنشینم صدای این مجلس گوا این مجلس یک کرور پول لازم دارد.

آقامیرزا ابوالحسن خان - از برای این مجلس پول میخواهید و از برای هر شهری ترتیب بدهید از طرف دولت باید گذارده شود باید بگوئید مصارف آنها چیست که ملت تدارک کنند حالا که گفته اند راه بپایانید و بدهید شاید ملت هم از برای رفع حوائج اظهاری بکنند و بخواهد برای چه مصرف بخواهند شاید گفتند از برای مصارف شخصی میخواهیم.

آقایسید ولی الله خان - یک جمله از حرفهای زیاد شما صبیح است.

سعدالدوله - این چهار کرور از برای فرض سابق است هنوز سفره را هیچ نداده اند.

آقایسید حسن تقی زاده - معلومات شخصی جایز نیست کدما اظهار میکنند خودشان بگویند.

سعدالدوله - آقا در مجلس خوانده اند میدانند.

آقایسید حسن تقی زاده - نه آنها بدانند نمیشود بعلوم یقین هم نمی شود باید معلوم نمایند ما بدانیم.

سعدالدوله - شما نبودید آن روز شرحی بمجلس طرح نمودند که ملت ایستاده اند ماراضی نمی شویم از خارجه قرض نمائید مجانی میدهم من این بیانیه برخاستم گفتم مجانی چرا قرض بدهید از آن طرف تادینار آخر بر میدارید.

آقایسید حسن تقی زاده - باین شرط قرعه داده شده باید تازه برسند.

سعدالدوله - یعنی برای چه شرط قرعه؟
آقایسید حسن تقی زاده - باید در تحت رسیدگی بیاید برای چه میخواهند.

رئیس - اینها تکرار مطلب است وزیرمالیه میآید معلوم می شود.

سعدالدوله - حالا مذاکره استقراض نیست حالا اینست که مذاکره قرض از خارجه را رفع نمائید و بانکهای را قرض بدهید مایه خواهیم سرمایه خودتان را معلوم نمائید.

رئیس - حالا رقمه از صدارت رسید آقای تقی زاده هم مطلب دیگر دارند ولی فرمایش جناب عالی را باید صورت داد که سرمایه معین شود ولی رقمه مؤخر است مذاکرات مالیه که بیان آمد معلوم می شود.

آقایسید حسین - مستند بعضی ها که صاحبان فهرست میباشد بیایک بدهند.

آقایسید حسین سر باز که سهام نمخواهد.
سعدالدوله - مطلبی که عرض کردم راجع بکافه قزوين مقصود این بود طوری در قلوب اثر بکنند که اعیان و اشراف و رجال کبکی بیایک نمایند.

حاج شیخ محمد تقی - از همدان چند نفر قبول کردند که اینها پول بدهند از قبیل ضیاء الملک ناسر الملک و عنایت الملک ولی نمیدانیم بچه مجری داخل شویم.

سعدالدوله - خطاب من باشخص نیست که بعضی از متولیان را مجبور بکنیم خطاب من عارف من غیرت و حمیت این مردم ایران بود.

حاج شیخ محمد تقی - چه کار داریم باسانی اشخاص.

آقا شیخ حسین - چرا بشخص صحبت می کنید که بکنفر خواهد گفت چرا ناموس مرا بیاد می دهید این مرد محترم جناب سعدالدوله بقدری کوشش نموده که بگویم هیچ کس قبول کردند ابدأ اقدامی ننمودند.

حاج شیخ محمد تقی - اسم لازم بود که مجرای او معلوم شود می ربط نگوئیم.

آقایسید حسین - آقای حاج شیخ علی یک عبارت خلاف شرح در این نظامنامه ببلدیه بود که قلم کشیدید اعانه بآنها خلاف شرع است این گردن کلفت ها بخورند و بپوافر کشیدن مشغول بشوند این خلاف شرع نیست که بکنفر واعظ برود بالای منبر بگویند این مذاکرات مجلس خلاف شرع است.

آقایسید مهدی - حالا خلاف شرعی نشده.
آقایسید ولی الله خان - بموجب اکسبون معین است از روی تاریخ من میتوانم ثابت نمایم از چند سال قبل ثروت ایران نزد اشخاص جمع شده از و کلا اعیان استدها بکنم که بآنها بگویند کک نمایند.

مذاکرات دارالشورای ملی

پنجشنبه ۸ محرم الحرام ۱۳۲۰

آقامیرزا ظاهر - خلاصه مذاکرات روز سه شنبه ۶ محرم را قرائت نمود.

رئیس - جناب مستشارالدوله روز سه شنبه سؤالاتی در خصوص کمرک فرمودند باشد آقای وزیر مالیه تشریف بیاورند سؤال و جوابی بشود حالا جناب وزیر مالیه تشریف آورده اند فرمایشی دارید بگوئید.

مستشارالدوله - چند روز قبل مستدعات اهالی آذربایجان و اینجا در باب موافقت گانه که پیشنهاد دولتیان نمودیم یکی از آن عزل مسیو نوز و مسیو یزیم بود که آنها را تغییر بدهند بالصراحت دولت قبول فرمود بعد قرار شد اداره کمرک رسماً در تحت نظارت وزارت مالیه باشد و حضرت اجل آقای وزیر مالیه قرار داد بدهند بترتیب معین در تحت رسیدگی بکنفر بلژیکی باشد تا این روزها معلوم شده غیر از این ترتیب که بایستی حضرت عالی معمول فرمائید مجری نمودند عرض میکنم اولاً مسیو نوز و مسیو یزیم عزل شدند یاخیر؟ گویا ظاهر آنکه منصوب بودند باطلناً منصوب تر شدند و مسیو کینه را گذارده اند بدستور العمل خیالشان رفتار میکند ثانیاً قرار بود بکنفر مشاور یا بکنفر برسم نیابت از بلژیکیها یا فرنگیها علی المجاله باشد حالا معلوم

نشده بکی تعویل داده اند و از قراریکه مذکور داشته اند اسناد لازم را که نزد مسیو نوز و مسیو یزیم بوده و نوشته ای که سندیت داشته در ابطال آنها کوشیده بلکه سوزانده اند اسنادیکه عندا حاجه وعند الحساب لازم آتی است و بیرون معلوم نیست مدیر اداره کمرک کیست و بچه کمر داده اند هنوز دست خیانت آنها باز است در این خصوص از حضرت اجل وزیر مالیه در مواد اریبه سؤال میکنم اولاً مسیو نوز و مسیو یزیم معزول شدند یاخیر و بدستور العمل آنها کینه در چه کار مشغول است و بکی سیرده شده از طرف آقای وزیر مالیه برای نقیض بکنفر را مقرر فرموده اند یاخیر و دیگر از همه چیز واجبتر مقرر فرموده اند بمعاصیه این دونفر رسیدگی نمایند یا خیر؟

وزیر مالیه - اما برای حساب بکنفر فرستاده ام از همدان روزیکه مسیو نوز را معزول نمودند مشغول جمع آوری تمام حسابها هستند ترتیب حسابها را ک داده اند اگر مفتشی لازم باشد مسلم گذارده میشود برای آتی هم بکنفر مدیر عجیبی باید بگذاریم اداره کمرک اداره بزرگ معتبری است بکنفر مدیر علمی که عالم باشد و تعرفه هم بشود لازم داریم حالا بکنفر آدم موفقی است و در تحت وزارت مالیه می باشد دو روز قبل همین قدر غدن شده و ترتیب حسابها در رسیدگی می نمایم سابق بر این صورت کل را میدادند حالا دستور العمل داده ام که صورتها را بجز بدهند و مخارج را هم قلم داد نمایند از روی اسناد رسیدگی شود بعد از این مرتباً همین ترتیب بنویسند و بدانند برای مفتشی هم چند نفر معین می کنم ماه پناه صورت نوشته اول ماه صورت یکماهه را بجز بدهند و عایدات را هم صورت بدهند حالا نمیدانم این ترتیب که قرار گذارده ایم صحیح است یا خیر؟

مستشارالدوله - اما برای محاسبه این دو نفر سابق اولاً بکلیه نباید مداخله داشته باشند.

وزیر مالیه - آنها را بکی خلع نمودیم.
مستشارالدوله - برای این عرض میکنم که کینه بدستور العمل آنها رفتار میکنند.

وزیر مالیه - مدیرهایی که در پوشه و بندر عباس و کرمانشاه و سایر سرحدات هستند گفتیم حالا بکار خود ابقا باشند.

مستشارالدوله - در باب ولایات عرض نکردم برای آن دونفر که میگویم باسم معزول ولی در اطن مداخله دارند مداخله نداشته باشند.

وزیر مالیه - جزئی اسناد نزد آنها است حالا خواسته باشیم بکمرته اداره کمرک را با اجزائی که مداخله دارند برهم بزنیم نمیشود بکنفر از جانب من هست در کمرک حالا خبر ندارم اگر تقصی شده باشد و خطائی آنها کرده اند نمیدانم. اصلاً دولت آنها را بکی مفک نموده هیچوجه مداخله ندارند مسیو کینه را مسئول و مدیر موقتی نموده ایم.

سعدالدوله - این طور نشد مفصلاً بفرمائید کینه را حضرتعالی منتخب فرموده اند بنمایند کی و مدیری یا مسیو نوز؟

وزیر مالیه - دولت او را معین نموده.
سعدالدوله - بچه اطمینان؟

وزیر مالیه - باطمینان مدیرهای ولایات.
سعدالدوله - بتمام آنها اطمینان تمام